سال ۱۴، شماره ۲۲۸، ۱۹ آبان ۱۴۰۲، ۶۵۰۰۰ تومان
صاحب‌امتیاز: انجمن کتابخانه‌های عمومی شهرستان نیلوبند
مدیرمسئول: دکتر فرهاد رستگار
سردبیر: مهندس کامران ایزدی
نشانی: نیلوبند، خیابان ۱۷ شهریور، کوچهٔ ۱۲، پلاک ۴
تلفن: ۳۳۲۱۰۴۵۶ – ۳۳۲۱۰۴۵۹
پست الکترونیک: info@nilobandlib.ir
شاپا: ۰۹۹۱-۳۵۳۲۱۸۶
شمارهٔ ثبت: ۸۳۰۰۲۸
شمارگان: ۵۵۹۳۳۵۶

مدیر منابع در مهر؛ راهنمای ورود به «فرهنگ دره گلیمچه» در پیشه منتشر شد

نوشتهٔ پریا کاوه‌نیا

پیشه، ۶ مهر ۱۴۰۲: مدیر منابع در مهر به معنای واقعی کلمه در میان مردم پیشه زندگی می‌کند. او نه در اتاقی دور از چشم، بلکه در کنار آسیاب‌ها، کنار چشمه‌ها و در خانه‌های روستایی با مردم حرف می‌زند. حاصل این رفت‌وآمدها کتابی است که روز شنبه در تالار شهر پیشه رونمایی شد: «فرهنگ دره گلیمچه». کتاب ۶۴۰ صفحه‌ای است و ۱۲۰۰ واژه، اصطلاح، ضرب‌المثل و نام محلی را در بر می‌گیرد. بسیاری از این واژه‌ها تا پیش از این هیچ‌جا ثبت نشده بودند.

مهر ۱۴۰۲ در پیشه با بارش زودهنگام همراه بود. در ۱۲ روز نخست مهر، ۹۳ میلی‌متر باران ثبت شد؛ رقمی که برای نیمه‌ی اول مهر در ۳۰ سال گذشته کم‌سابقه است. همین باران زیاد باعث شد بسیاری از کشاورزان دیرتر از معمول به کار برسند و برخی از آن‌ها مجبور شدند برداشت انگور را چند روز عقب بیندازند. در همین روزها، مدیر منابع با گروهی از دانش‌آموزان و معلمان به روستاهای دره گلیمچه رفت تا ببیند واژه‌ها دقیقاً در کجا و در چه جمله‌هایی به کار می‌روند.

به گفته‌ی او، بسیاری از واژه‌ها فقط در یک یا دو روستا شنیده می‌شوند و با گذشت هر نسل، چند واژه از حافظه‌ی مردم کنار می‌رود. برای همین، کار گردآوری باید سریع انجام می‌شد. او می‌گوید: «اگر یک پیرمرد ۸۰ سال حرف بزند و ما ننویسیم، با رفتن او بخشی از زبان ما از بین می‌رود.» به همین دلیل، تیم کار فقط به کتاب‌های قدیمی بسنده نکرد و بیشتر وقت خود را در گفت‌وگوهای چهره‌به‌چهره گذراند.

روش کار تیم ساده اما پرزحمت بود. ابتدا واژه‌ها از میان مردم جمع‌آوری شد، سپس معنی، تلفظ و مثال برای هر کدام ثبت شد. بعد از آن، همه‌ی مثال‌ها دوباره با گویشوران بررسی شد تا اشتباه نشود. در مرحله‌ی آخر، واژه‌ها بر اساس حروف الفبا مرتب شدند. مدیر منابع می‌گوید: «ما نخواستیم فقط یک فرهنگ خشک بسازیم. دوست داشتیم کتاب صدای مردم را هم نگه دارد.» به همین دلیل، در کنار هر واژه، یک جمله‌ی واقعی از گفت‌وگوها آمده است.

در مراسم رونمایی، فرماندار پیشه، رئیس اداره‌ی میراث فرهنگی و جمعی از معلمان حضور داشتند. فرماندار گفت که کتاب می‌تواند در مدارس منطقه هم مورد استفاده قرار گیرد و معلمان می‌توانند از آن برای تدریس درس زبان و ادبیات محلی کمک بگیرند. او همچنین اعلام کرد که نسخه‌ی دیجیتال کتاب تا پایان آذر روی سایت شهرستان بارگذاری می‌شود تا دسترسی به آن برای همه آسان‌تر باشد.

مدیر منابع در پایان گفت که کار روی فرهنگ تمام نشده است. به گفته‌ی او، تیم قصد دارد در بهار ۱۴۰۳ سفر دوم خود را به روستاهای بالادست دره گلیمچه انجام دهد و واژه‌های تازه‌ای را که هنوز ثبت نشده‌اند، گردآوری کند. او امیدوار است نسخه‌ی دوم کامل‌تر و حجیم‌تر از نسخه‌ی فعلی منتشر شود.

استادیاوران

داود رحیمی، ۷۲ ساله، در خانه‌اش در روستای کهنه‌ده

نوشتهٔ مهدی سلیمانی

کهنه‌ده، ۱۲ مهر ۱۴۰۲: داود رحیمی، ۷۲ ساله، در خانه‌اش در روستای کهنه‌ده زندگی می‌کند. او ۵۰ سال است که در کارگاه کوچک حیاط خانه‌اش کار می‌کند. کارگاه او فقط یک اتاق است با یک پنجره‌ی رو به کوچه و یک کرکره‌ی آبی‌رنگ که همیشه نیمه‌باز است. روی دیوار پشت سر او ده‌ها قالب چوبی آویزان است، از قالب‌های بزرگ برای نقش‌های اصلی گرفته تا قالب‌های کوچک برای حاشیه‌ها. هیچ‌کدام از این قالب‌ها را او نساخته است. همه را پدرش، عباس رحیمی، در دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ ساخته و به او رسیده است.

رحیمی هنوز هم با همان ابزارهایی کار می‌کند که پدرش به او یاد داده است. قلم‌های فلزی، چکش کوچک و یک سنگ روغن که هر روز صبح قبل از شروع کار تیز می‌شود. او می‌گوید: «اگر قلم کند باشد، چوب دلش را نمی‌دهد. باید گوش بدهی تا بفهمی کی وقت تیز کردن است.» این جمله را بارها تکرار می‌کند، انگار که خودش هم هنوز در حال یادگیری است.

او بیشتر با نقش‌های گیاهی کار می‌کند. برگ انار، شاخه‌ی انگور و گل نیلوفر از نقش‌های تکراری خانه‌اش هستند. رحیمی می‌گوید هر نقش را باید چند بار کشید تا دست یاد بگیرد. به همین دلیل، در هفته فقط سه یا چهار قالب تازه می‌سازد. بقیه‌ی روزها را صرف استفاده از قالب‌های قدیمی می‌کند. او حساب دقیقی از تعداد قالب‌هایی که ساخته ندارد، اما تخمین می‌زند بیش از ۳۰۰ عدد باشد.

مشتریان او بیشتر از شهرهای اطراف می‌آیند. گروهی از بافندگان قالی‌های دستباف منطقه هر سال چند بار به کهنه‌ده می‌روند تا قالب‌های تازه سفارش دهند. رحیمی می‌گوید که در سال‌های خوب، حدود ۱۲۰ قالب می‌فروخته است. امسال، به دلیل کم‌آبی و کاهش کشت در منطقه، این عدد به کمتر از نصف رسیده است. با این حال، او از کار دست نکشیده است.

مشکل اصلی او فروش است. رحیمی می‌داند که قالب‌هایش زیبا هستند، اما می‌داند که بسیاری از خریداران جوان ترجیح می‌دهند قالب‌های چاپی و ارزان بخرند. او تلاش کرده است با کمک یکی از همسایه‌ها، که دانش‌آموز است، یک صفحه‌ی ساده برای فروش آنلاین بسازد، اما خودش هنوز با گوشی کار نمی‌کند و صفحه تقریباً بی‌استفاده مانده است.

با این حال، او برنامه‌هایی برای آینده دارد. می‌خواهد دو شاگرد جوان را که علاقه‌مند به کار چوب هستند، زیر نظر بگیرد و یک قالب کامل را به هر کدام بسپارد تا از ابتدا تا انتها خودشان بسازند. او می‌گوید: «اگر کسی نباشد که بعد از من بیاید، همه‌ی این قالب‌ها فقط هیزم می‌شوند.» این جمله را با لبخند می‌گوید، اما نگاهش جدی است.

برای بازدید از کارگاه رحیمی، مسیر کهنه‌ده تا میدان اصلی روستا را دنبال کنید و سپس از کوچه‌ی دوم سمت راست وارد شوید. خانه‌ی او سومین در سمت چپ است. بهترین زمان برای دیدار، ساعت‌های ۸ تا ۱۱ صبح است، چون بعد از ظهر گرما و کم‌نوری کار را دشوار می‌کند. او از مهمان پذیرایی می‌کند و همیشه چای تعارف می‌کند، حتی اگر خودش تازه خورده باشد.

ادامه از صفحهٔ ۱